

مردم از طریق تحولات تولیدی، نیل به خود بسندگی نسبی، تامین بهتر عدالت اجتماعی و بالاخره افزایش مشارکت آحاد مردم در سرنوشت و کار و زندگی تعریف شود - که طبعاً تعریفی فارغ از زمان و مکان و به تعبیری تعریفی نظری خواهد بود - ضرورت نفی و تغییر نظام آسیایی، بنا به شواهد بی شمار تاریخی، اثبات خواهد شد. اتفاقاً بحث از موانع توسعه نیز از همین زاویه قابل توجیه است و گویای این حقیقت که بنابه برخی ملاحظات و علل تاریخی، خصایصی بر سیستم‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران و بالاخره شخصیت ایرانی تحمیل شده است که امکان وقوع توسعه را تا زمانی که به حیات خود ادامه می‌دهد، نفی می‌کند و بی معنا می‌سازد. استنتاج چنین موانعی، هدف مقاله حاضر است.

چنانچه از تقسیم بندی اجزاء اصلی ساختار جامعه ایران که به نحوی شماتیک در بخش قبلی مورد استفاده قرار گرفت، پیروی شود باید از موانع تاریخی سد راه توسعه در اجتماعات ایلی، روستایی و شهری از يك سو و نظام سیاسی از سوی دیگر و به استعلال یاد و از نظر روش شناسی با بازگشت به مدل اولیه از واقعیت مطروحه (مندرج در بخش نخست مقاله) موانع توسعه فهرست شود.

از دیرباز در ساختار جامعه ایران، نهاد خانواده در فرایند تولید، نقشی اساسی بر عهده داشته و واحدی تولیدی به حساب می‌آمده است. شاید بتوان ادعا کرد که در شرایط همزیستی شیوه‌های تولید، نهادهای بینابینی که حفاصل فرد و جمع قرار می‌گیرند، رشد و اهمیتی فوق العاده می‌یابند. بهر تقدیر، غلبه خانواده بر فرایند تولید ایلیاتی یا دامداری بر اساس کوچ فصلی انسان و دام و تولید زراعی کاملاً مشهود است. غلبه خانواده بر جریان تولید سبب می‌شود تا احساسات منبعث از خون و تبار و پیوند نسبی بر روابط کار و تولید سایه افکند و تضادهای سازمان کار به حداقل رسیده، تداوم گرانجان آن تضمین شود. در اجتماعات ایلی، عوامل محیطی در کنار خروج مازاد از خانواده و تعلق بخش مهمی از آن به رئیس ایل و سایر اصحاب سلسله مراتب

### ■ نظام آسیایی به علت وجود نوعی سرمایه‌داری تجاری - ربایی و تمرکز انباشت در دست دولت متمرکز، حداقل در مواردی از سایر اشکال ما قبل سرمایه‌داری پیشرفته‌تر به حساب می‌آید.

قدرت، تولید را کمی بالاتر از سطح معیشت خانوار تثبیت می‌کند و با تشدید عوامل نامساعد طبیعی و نبود امکان تشدید استثمار فرودستان در درون ایل، اجتماعات ایلی با بهره‌گیری از انسجام گروهی فوق العاده بالا که از طبیعت زندگی ایلی بر می‌خیزد، به سرعت نظامی - سیاسی شده، کشمکش بر سر قلمرو، غارت اجتماعات یکجانشین و درگیری با قدرت‌های محلی و منطقه‌ای برای کسب قدرت و نهایتاً دست‌یابی به بخش بیشتری از مازاد کشور و شرکت در گردش نظام سیاسی، مساله تولید را تحت الشعاع قرار می‌دهد و تحولات و رخدادها سبب تغییر شیوه تولید ایلیاتی نمی‌شود. به بیان دیگر، تغییرات در خارج از حیطه تولید به وقوع می‌پیوندد. سال‌ها پس از ورود سرمایه‌داری، چنین وضعی ادامه می‌یابد. تنها با شروع توسعه برون‌زا و ضرورت تثبیت حاکمیت بر سراسر کشور، درگیری با ایلات آغاز می‌شود. چنین درگیری که سرآغاز اضمحلال زندگی ایلی است بازهم سازمان تولید را نشانه نمی‌رود. بلکه کار کردهای ایل خارج از حیطه تولید را مغل شرایط تعریف شده دانسته بر توقف آنها همت می‌گمارد. از میان رفتن تدریجی شیوه تولید ایلیاتی یا شدت گرفتن توسعه برون‌زا در اواخر دهه ۴۰ شمسی و سرازیر شدن بول نفت و ورود لجام گسیخته کالاهای کشاورزی و دامی به کشور شدت گرفته، اجتماعات ایلی به پایان راه نزدیک می‌شوند.

در اجتماعات روستایی نیز تولید بر پایه خانوار صورت می‌گیرد. جریانی که پیشینه‌ای سالمند دارد. خوشبختانه پیرامون اجتماعات روستایی و غلبه خانوار بر سازمان و فرایند تولید، منابع قابل توجهی در دهه‌های هفتاد تا نود میلادی به رشته تحریر درآمده است. اثر «گلاوانیس» (Glavanis & Glavanis)

## موانع توسعه در ایران: برخی عوامل تاریخی (۵)

نوشته: پوریا پیروز

### استنتاج موانع توسعه

بحث‌های گذشته به این فرضیه راه بردند که ساختار جامعه ایران (سطح کلان تحلیل) تحت تاثیر عوامل درون‌زا و برون‌زا به همزیستی شیوه‌های تولید از يك سو و نظام سیاسی استبدادی از سوی دیگر (سطح میانه تحلیل) گردن نهاده و این امر، علی‌رغم فراز و فرودهای بسیار و شورش‌های متعدد، برای قرن‌ها استوار برجای مانده و حتی ورود سرمایه‌داری جدید نیز به جایگزینی شیوه‌های ماقبل سرمایه‌داری منجر نشده است. البته برعکس باور گروهی از شرق و ایران شناسان غربی که این همه را دلیل ایستایی تاریخی مشرق زمین و به تبع آن، ایران دانسته‌اند، جامعه با تحولات دایمی روبرو بوده است. دستاوردهای علمی، فنی، هنری و فرهنگی و از جمله ده‌ها یادمان تاریخی که حتی با ملل‌های امروز هم بین‌المللی محسوب می‌شوند، تنها یکی از دلایل این ادعا است. اگر سنت شکنی به حساب نیاید می‌توان با را فراتر گذاشته و بر اساس شواهد تاریخی موجود، مدعی شد که نظام آسیایی به علت وجود نوعی سرمایه‌داری تجاری - ربایی و تمرکز انباشت در دست دولت متمرکز، حداقل در مواردی، از سایر اشکال ماقبل سرمایه‌داری پیشرفته‌تر به حساب می‌آید. بیهوده نیست که غربی‌ها بخش اعظم وسایل و تجهیزات (قطب نما، باروت، نقشه‌های جغرافیایی) و فنون و روش‌های (نظام شمار دهنده برای محاسبات بسیار خرد و بزرگ) لازم برای گسترش سرمایه‌داری را از مشرقیان و به ویژه از دنیای اسلام به عاریت گرفتند و از طریق آنان حتی به فلسفه و تاریخ دنیای باستان دست یافتند. همین توانمندی‌ها عامل مهم و سترونی تضادهای درون سیستمی بشمار رفته و در کنار سایر عوامل، از غلبه شیوه تولیدی خاصی بر سایر اشکال جلوگیری می‌کرده است.

اما نکات بالا که در واقع کوششی است در جهت تصحیح بنداری ناروادر مورد جوامع ماقبل سرمایه‌داری - خاصه از نوع آسیایی - نباید به منزله تائید آن نظام تلقی شود. نفی نظام آسیایی به مانند فروپاشی سایر اشکال ماقبل سرمایه‌داری فی نفسه و همیشه جریانی مترقی به حساب می‌آمده است. امری که حتی با ورود سرمایه‌داری نیز علی‌رغم خوشبینی متفکران بسیاری از جمله لنین به وقوع نییوسته است. ضرورت نفی، مفهوم توسعه و اهمیت آن را در دستور قرار می‌دهد. زیرا توسعه به هر شکلی که تعریف شود و از هر دیدگاهی که مایه گیرد بنا به ماهیت، گویای کاستی‌های نظامی است که باید توسعه را از سر بگذرانند و لذا نفی آن محسوب می‌شود. اگر توسعه بالا رفتن رفاه عامه

تحت عنوان «جامعه شناسی روابط دهقانی در خاورمیانه: تداوم تولید بر پایه خانوار» (۱۹۸۳)، کتاب «عطیه الرحمان» بنام «دهقانان و طبقات، مطالعه‌ای در باب فرایند تفکیک اجتماعی در بنگلادش» (۱۹۸۶) و بررسی‌های «اسلام اغلو» و «حیدر» درباره ترکیه و پژوهش‌های مکتب «عین الشمس» در جامعه شناسی و اقتصاد سیاسی روستایی در مصر، از آن جمله‌اند. بررسی‌های یاد شده کوشیده‌اند تا نشان دهند که چگونه تولید زراعی معیشتی بر پایه خانوار، شکل غالب تولید زراعی در خاورمیانه و بخش‌های وسیعی از آسیا بوده و برای قرن‌ها به زندگی خود ادامه داده است. مهمتر آنکه با ورود سرمایه داری نیز تغییرات جدی نکرده، صرفاً با تشدید روابط سرمایه و ارائه گسترش سرمایه داری، روبه ناپودی گذاشته است و می‌رود تا با تخلیه جمعیت روبه رشد خود در شهرهای مصرفی، جای خود را (همچون ایل) به کشتی‌های مملو از کالا بپردازد. فرایندی که در مهاجرت‌های بندکن یا مهاجرت تمامی اهالی یک روستا تبلور عینی یافته است. در اجتماعات روستایی نیز سختی کار، خروج مازاد از خانوار و بالاخره از روستا و عدم مساعدت محیط طبیعی در کنار فقدان وسایل لازم، تولید خانوار را مانند ایل کمی بالاتر از سطح معیشتی خانوار تثبیت می‌سازد. مازاد اندک به حکومت تعلق می‌گیرد و لذا انگیزه‌ای

برای ازدیاد آن باقی نمی‌ماند. در عین حال درآمد حکومت از گردش کالا در بازار جهانی و مالیات گیری از تجار و پیشه‌وران از تشدید استثمار روستائیان برای کسب مازاد بیشتر (امری که برای تغییر فتوالبیسم حیاتی بوده است) جلوگیری به عمل آورده به تعدیل دایمی آن می‌پردازد. مهمتر آنکه به قول «اسلام اغلو» و «حیدر» نظام آسیایی به تضاد و رویارویی بین تولیدکننده (خانوار دهقان) و کسب کننده مازاد تولید نمی‌انجامد. دهقانان تنها با جمع آورنده مالیات که به نمایندگی از سوی حکومت مرکزی عمل می‌کند در تماس رویاروی هستند. آنهم پس از خاتمه فرایند تولید و برداشت محصول که طی آن دهقانان به عنوان تولیدکنندگان آزاد عمل می‌کنند.» (Islam Oglu & Keyder, ۱۹۷۷: ۴۵).

پس کاهش تضادهای درون سیستم تولید زراعی به علت حاکمیت خانواده، فقدان تضاد و درگیری با کسب کننده مازاد یا مالک به علت ارتباط غیرمستقیم با او آنهم پس از خاتمه فرایند تولید، خارج شدن مازاد از خانوار و لذا از میان رفتن انگیزه کسب مازاد بیشتر، همگی بر تداوم شیوه تولید زراعی بر پایه خانوار آنهم کمی بالاتر از سطح معیشت، باری می‌رساند. «طلال اسد» به خوبی نشان داده است که چگونه و تحت تأثیر چه مکانیسم‌هایی مازاد از بخش

## سطح خرد تحلیل

## سطح میانه تحلیل

## سطح کلان تحلیل

(حاکمیت فرد و روابط خانوادگی و مهجور بودن قانون - عدم احساس تعلق به سازمان، غلبه انتصاب بر اکتساب، عدم امکان پذیرش قالب سازمانی - اداری به عنوان بوروکراسی)

- ۱- عدم عنایت به تولید - غلبه خانواده بر تولید ایلی و روستایی و لذا محدودیت تحول درونی که با اصلاحات ارضی تشدید شده است.
- ۲- عدم عنایت به سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت زیربنایی و تولیدی.
- ۳- عدم امکان تبدیل ثروت به قدرت.
- ۴- گرایش به تجارت و دلالتی با انگیزه کسب سریع سود و پیوند طبیعی با سرمایه‌داری جهانی به زبان منافع ملی.
- ۵- عدم شکل‌گیری طبقه سرمایه‌دار و فرهنگ کسب و کار و وجدان حرفه‌ای، مراحل آغازین آن و تداوم لمینیسیم.

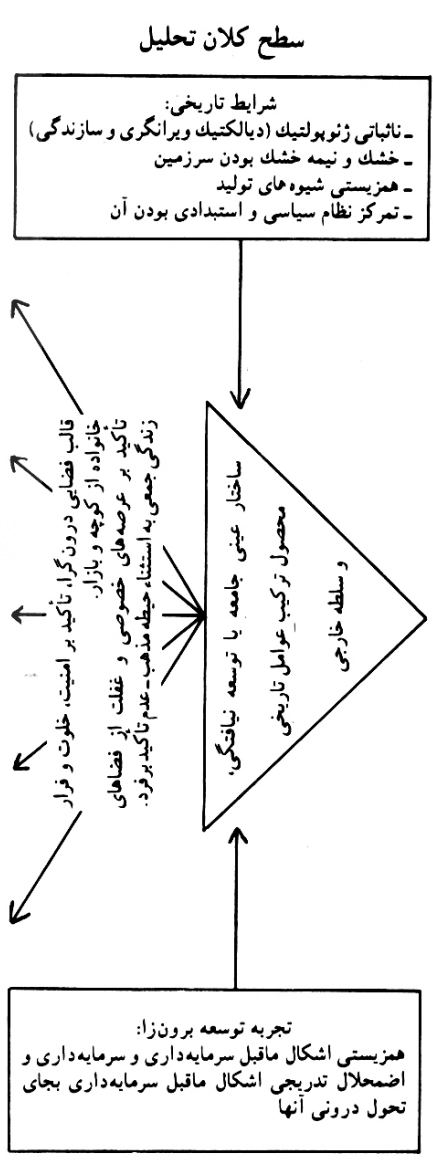
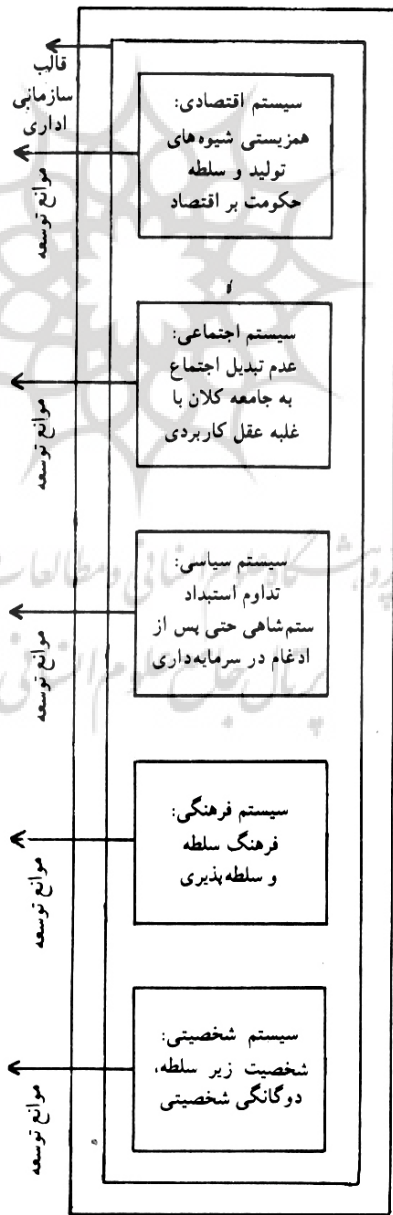
- ۱- عدم شکل‌گیری انجمن‌های آزاد بر اساس اراده و تمایل افراد، مانند احزاب، گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی.
- ۲- تداوم روابط خوینی - تباری - محله‌ای - ایلی، بدون حفظ قالب اجتماعی مربوطه و کارکردهای آن، عدم شکل‌گیری شهر - شهروندی.

- ۱- غلبه اراده و تصمیم فردی در امور سیاسی.
- ۲- دامن زدن تفرقه دایمی بین گروه‌ها و اقشار اجتماعی.
- ۳- گرایش به قوانین سرکوبگرانه با کاربرد خشن زور و ایجاد جوترس و ترور و عدم گرایش به قوانین بازدارنده و بازسازی.
- ۴- عدم شکل‌گیری نهادهای سیاسی بر اساس گرایش‌های افراد جامعه.

- ۱- تبلیغ سرنوشت‌پذیری به عنوان گرایشی فرهنگی.
- ۲- نظام سالاری در آموزش رسمی و غیر رسمی.
- ۳- ضعف فرهنگ مشارکت مردمی.
- ۴- خود محوری و تنگ نظری در مرادفات فرهنگی.

- ۱- گسترش احساس حقارت و بی‌قدرتی عمومی.
- ۲- ضعف همکاری‌های جمعی.
- ۳- رشد روحیه استبدادی و قدرت طلبی بهر قیمت، حتی از طریق فرصت طلبی - چاپلوسی و سایر ضدارزش‌ها.
- ۴- ضعف مسئولیت‌پذیری.
- ۵- قدر گرایی.
- ۶- ضعف انگیزه‌های فردی پیشرفت.
- ۷- بی‌اعتنایی به قانون.
- ۸- بی‌توجهی به عرصه‌های عمومی و تأکید بر عرصه خصوصی و حفظ آن (از نظر بهداشت فردی و گروهی و نظایر آن).
- ۹- تسلیم‌پذیری.
- ۱۰- قهرمان خواهی و ناجی طلبی.

- شروط تاریخی:  
- ناپایداری ژئوپولیتیک (دیپالکتیک و پیرانگرمی و سازندگی)  
- خشک و نیمه خشک بودن سرزمین  
- همزیستی شیوه‌های تولید  
- تمرکز نظام سیاسی و استبدادی بودن آن
- ساختار عینی جامعه با توسعه نیافتگی، محصول ترکیب عوامل تاریخی و سلطه خارجی
- تجربه توسعه برون‌زا:  
همزیستی اشکال ماقبل سرمایه‌داری و سرمایه‌داری و اضمحلال تدریجی اشکال ماقبل سرمایه‌داری بجای تحول درونی آنها





■ اگر توسعه، بالا رفتن رفاه عامه مردم از طریق تحولات تولیدی، نیل به خود بسندگی نسبی، تامین بهتر عدالت اجتماعی و بالاخره افزایش مشارکت آحاد مردم در سرنوشت و کار و زندگی تعریف شود، ضرورت نفی و تغییر نظام آسیایی بنا به شواهد بی شمار تاریخی، اثبات خواهد شد.

■ تنها از طریق رجوع به گذشته، شناخت هویت تاریخی و بحث و نقد آن و نیز ریشه‌یابی معضلات و تنگناها می‌توان بر موانع توسعه چیره شد.

■ هیچ شجاعتی بالاتر از شناخت دقیق خود و یافتن راههای برون رفت از موانع و محدودیت‌های تاریخی که در کنار توسعه برون‌زا و تحمیلی، راه پیشرفت را سد کرده است، وجود ندارد.

گیر سرمایه‌داری به بخش سرمایه‌داری انتقال پیدا می‌کند. لیکن تغییری بنیادین در اشکال دهقانی و روابط تولیدی پدید نمی‌آورد و تنها بر حاشیه‌ای شدن تولید زراعی و فقر دهقانان می‌افزاید (Asad, 1973: 15).

در شهرها نیز به علت فقدان خودفرمانی و سلطه حکومت متمرکز، نهاد خانواده اهمیت خود را حفظ می‌کند و نهاد دیگری جانشین آن نمی‌شود. این فرایند از گسترش و نهادی شدن عقلانیت کاربردی جلوگیری به عمل می‌آورد و روابط خانوادگی و تمایلات افراد را بجای قانون فراگیر، بر سرنوشت سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی حاکم می‌سازد. این امر تولد فرد و شهروند صاحب حقوق را به تعویق می‌اندازد و کارکرد عقلایی سازمان‌ها و نهادهای یاد شده را مختل می‌کند. از سوی دیگر، وجود حکومت متمرکز و سلطه مستقیم آن، از پیدایش اصناف مستقل جلوگیری کرده، تمایل به سرمایه‌گذاری بلندمدت تولیدی را به علت خطرات بالا، کاهش داده، گرایش‌های دلالتی و تجاری و کسب سود از راه دست به دست گشتن کالا آنهم در کوتاه مدت را رشد می‌دهد. به بیان دیگر، تمرکز و سلطه حکومت از شکل‌گیری طبقه‌ای فارغ از روابط خونی و تباری یا خانوادگی که با نوآوری‌های خود قصد تغییر همه چیز را دارد، ممانعت به عمل می‌آورد (نگاه کنید به اشرف: ۱۳).

حال باید پرسید که افراد (سطح خردتحلیل) تحت تأثیر ساختار اجتماعی ایران و اجزاء و ویژگی‌های آن صاحب چه گرایش‌های شخصیتی خواهند بود و چگونه برخی از این خصایص به موانع توسعه تبدیل می‌شوند. حقیقت آن است که فرد در نظام آسیایی از هر حیث سرکوب می‌شود.

نهادهای اجتماعی از جمله خانواده، افراد را برای انطباق با شرایط جامعه کلان آماده می‌سازند. از اینرو چنین نهادهایی نظام‌گرا بوده و به سرکوب فرد می‌پردازند. نتیجه مستقیم این واقعیت، احساس جدایی توده‌های مردم از حکومت متمرکز استبدادی است. فرد به خوبی درمی‌یابد که منافع او با خواست‌ها و منافع حکومت در تضاد آشکار است و گرچه حکومت متمرکز در شرایط تولید آسیایی متضمن کارکردهایی بوده است، لیکن بر آن، اعتمادی نشاید. درون‌گرایی، پذیرش خانواده به عنوان محل امن و نگرستن به خارج از خانه به عنوان محلی ناامن و خصم، عدم اعتقاد به قانون و تلاش در بدر بردن گلیم خویش از آب بهر قیمت رواج می‌یابد. البته در تمامی مراحل تاریخ، اکثریت مردم سر در جیب مراقبت فروبرده و به کار خود، شرافتمندانه مشغول بوده‌اند. اما در حلقه قدرت، نان به نرخ روز خوردن و فرصت طلبی برفروست زورگفتن و کرنش در مقابل فرادست، تملق و چاپلوسی و خصایص منفی بسیاری از این دست، رونق می‌گیرد.

حال اجازه دهید با تکمیل مدل اولیه از واقعیت مطروحه (بخش نخست بحث) براساس بحث‌های گذشته به فهرست موانع توسعه بپردازیم تا ضمن معرفی موانع یادشده، ارتباط آنها با سطوح بالاتر تحلیل و کل بحث، مشخص‌تر شود. اما قبل از پرداختن به این امر، تاکید مجدد بر نکته‌ای حائز اهمیت فراوان

است. اکثر موانع توسعه که نام برده خواهند شد در حد فرضیه‌های اثبات نشده تلقی می‌شوند. گرچه منابع موجود بر صحت برخی از آنها دلالت دارد، لیکن پذیرش نهایی آنها مستلزم انجام پژوهش‌های عینی مشخص و در مواردی میدانی است. این امر در مورد خصایص شخصیتی که عنوان خواهند شد، صادق‌تر است. بهر تقدیر آنچه که در این رساله آمده است را باید تلاشی در شروع بحث به حساب آورد. بحثی که از هر حیث ضروری بوده و با زندگی و آینده این مرزوبوم رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. هیچ شجاعتی بالاتر از شناخت دقیق خود و یافتن راه‌های برون رفت از موانع و محدودیت‌های تاریخی که در کنار توسعه برون‌زا و تحمیلی، راه پیشرفت این سرزمین را سد کرده است، وجود ندارد تنها از طریق رجوع به گذشته، شناخت هویت تاریخی و بحث و نقد آن و بالاخره ریشه‌یابی معضلات و تنگناها، می‌توان بر موانع فائق آمد.

از آنجا که تأکید بحث بر ملاحظات تاریخی است، ناگفته پیداست که حیطه شمول تاریخی بحث، نظام ستم‌شاهی است.

□ منابع فارسی:

- ۱) اشرف، احمد. نظام فئودالی با نظام آسیایی، تهران موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۷.
- ۲) اشرف، احمد. موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه، تهران، نشر زمینه، ۱۳۵۹.
- بهار، مهرداد اشکانیان - تهران دانشگاه آزاد ایران - بی‌تا
- ۳) پلانمتاز، جان. شرح و نقدی بر فلسفه اجتماعی و سیاسی هگل، ترجمه حسین بشیریه. تهران، نشر نی، ۱۳۶۷.
- ۴) پیران، پرویز. شهرنشینی شتابان و ناهمگون: مسکن ناهنجار، تهران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۷-۱۳۶۶.
- ۵) پیران، پرویز. توسعه برون‌زا و شهر: مورد ایران، تهران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی.
- ۶) پیرنیا، حسن. تاریخ ایران از آغاز تا اسلام، تهران، کتابخانه خیام، بی‌تا.
- ۷) خنجی، محمدعلی. تاریخ ماد و منشاء نظریه دیاکونف، تهران، مجله راهنمای کتاب، شهریور ۱۳۴۶.
- ۸) سوداگر، محمد. نظام ارباب رعیتی در ایران. تهران، موسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی، پازند، ۱۳۵۹.
- ۹) کاتوزیان، همایون. اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا سقوط رضا شاه، تهران نشر بابروس، ۱۳۶۶ و ۱۳۶۸.
- گودلیه، موریس. شیوه تولید آسیایی، ترجمه ف - امیراختیار، تهران انتشارات نسیم، ۱۳۵۸.
- ممتحن، حسینعلی. کلیات تاریخ عمومی (جلد اول) تهران، نشر دهخدا، ۱۳۴۹.
- وارگا، ی. «وجه تولید آسیایی»، ترجمه حسن ایلخانی، تهران، مجله جهان‌نو، ۱۳۴۸.

□ منابع انگلیسی:

- 1) Anderson, Perry. Lineages of the Absolutist State NLB London 1975
- 2) Asad, Talal. «Two European Images of Non European Rule» Economy & Society 2 (3): 263 - 77 - 1973
- 3) Attur Rahman Peasants & Classes A Study in Differentiation in Bangladesh. London Zed Books 1986
- 4) Avineri Shlomo, Hegel's Theory of the Modern State, London, Cambridge U. Press 1976
- 5) Foster - Carter, Aidan. «Can We Articulate «articulation»? in the New Economic Anthropology London, Macmillan, 1978.
- 6) Islamoglu, Huri & Keyder, Caglar, «Agenda For Ottoman History» (Review) 1 - 1 (1977)
- 7) Marx, Karl. Grundrisse, New York Vintage Books 1973.
- 8) Piran, Parviz. cooptation, coercion & conplot Generation As Methods of Rulership in Iran 12 World Congress of Sociology Madrid 1990
- 9) Rosenthal, M. & Yudin, P. A Dictionary of Philosophy, Moscow 1967
- 10) Weber, Max, The Agrarian Sociology of Ancient Civilizations London NLB 1976
- 11) Weber, Max. The Theory of Social & Economic Organization, New York Free Press 1964